

چگونگی تعریف بازی سیاسی در چارچوب سنتی سرمایه گذاری روی مهره های عملگر و میانه رو با ایده های آرمان گرایانه بدنبال منفعت جمعی

شهروندان کشور ما بمثابة مهمترین کارت بازی در عرصه سیاسی
موجودیت نسل متفاوت از گذشته و زمینه های بازی کنونی
تأکید بر صلح، امنیت دستجمعی و وابستگی متقابل
تضاد میان روایت و عقل

سیاست در منطق و فلسفه غرب یک بازی بشمار میرود. آنها معتقدند در ساخت و ساحت سیا سی یا باید یک "بازیگر باشی" یا "بازی گردان". لزوم برای ورود باین عرصه باید "بازی ساز" هم باشی. اصحاب قدرت و ثروت در غرب، بویژه در دوران مدرنیته بمنظور تسلط بر جهان بدو جنگ جهانی اول و دوم رسیدند و میلیون ها تن را در بازی گری و بازی سازی و بازی گردانی خود بکام مرگ فرستادند. محصولات فکری این قتل عام را در چند زوررق بنام "دموکراسی"، "جمهور یخواهی"، "آزادی"، "حقوق بشر"، "حقوق بانوان و کودکان" ... پیچیده و بخورد نخبان و روشنفکران جوامع انسانی دادند. غرب هم آنچه که از حقوق اساسی انسان در تنوری پردازای های خود بافته بود، در قاپ جنایت جنگی سازمان یافته و قتل عام های وحشیانه و کشتار جمعی در غزه و لبنان رشته کرد و در اذهان جهانیان با آتش کشید. امروز کاخ سپید، پنتاگون، سیا و شرکای آنها در انگلیس و فرانسه و آلمان "بازی خورده" یک جماعت فاشیست در سرزمین های اشغالی هستند که از بازی سیاسی جز کشتار عام و نسل کشی و قتل های وحشتناک، ویران نمودن خانه ها، مدارس، بیمارستان ها و.. چیزی نمی دانند. صیهونیست ها در بازی سیاسی غرب را بسمت "چاه ویل"، یک جنگ فرسایشی می برند که قبلن آنرا در ویتنام، افغانستان و عراق تجربه کردند. ایالات متحده در "بازی سیاسی" و "بازی گردانی" در بسیاری از کشورهای جهان شکست خورده است. استفاده از نظریه بازی ها در زمینه علوم سیاسی در قالب حوزه های مشترکی از قبیل توضیح عادلانه، انتخاب عمومی، چانه زنی جنگ، نظریه سیاسی اثباتی متمرکز شده است. در هر کدام از این حوزه ها، محققان مدل های تنوری بازی هایی را مطرح نموده اند که در آن مدل بازیکنان اغلب در قالب رأی دهنده ها، دولت ها، گروه های خاص ذینفع و سیاستمداران نشان داده می شوند. تفسیر تنوری بازی ها برای شرایط صلح دموکراتیک نیز اهمیت دارد.

فاکت ها و حقایق موجود، گواه این امر میباشند که، بویژه در نتیجه جنگ جهانی دوم، در مجموع سیستم روابط بین الدول تحولات و تغییراتی، با وجود آنکه چندان ایده آل هم نبود، اما بمثابة ایزاری کاملن اثربخش بمنظور حفظ میکا نیز می درامر دستیابی بسازش هایی میان بازیگران اصلی سیاست جهانی از قوه بفعل مبدل گردید. بخاطر ما باشد که سیستم ایجاد شده، بخودی خود و بنحوی از انحأ به انعکاس دهنده تضادهای عمیق و گسترده پس از جنگ مبدل گردید، از یکجانب مبارزه و رقابت ها بمنظور نفوذ در امور و مسایل دولت های پیشرفته و دسته بندی های نظامی - سیاسی تحت رهبری دولت های یاد شده و از جانب دیگر، نیاز و ضرورت عینی به همکاری های چند جانبه بین المللی را بویژه در شرایط و وضعیت مشخص وابستگی های فزاینده متقابل، ترکیب نمود. اما تأیید قانع کننده کارآمدی سیستم ایجاد شده پس از جنگ این بود که در چارچوب آن می توان از درگیری جدید جهانی جلوگیری بعمل آورده و همچنان مانع تشدید غیرقابل کنترل درگیری های مسلحانه محلی و داخلی گردید. حتا با در نظر گرفتن درگیری های منطقه بی در مقیاس وسیعتر که در برگیرنده قدرت های بزرگ نیز می گردد، از جمله می توان در مورد، از جنگ های کوریا و ویتنام، حضور اتحاد شوروی و سپس موجودیت پرشاخ و برگ ایالات متحده در اراضی و قلمرو مربوط بکشور عزیز ما، مداخله در عراق و برافروختن آتش درگیری های مسلحانه در اکرانین، نام برد. با مشاهده و بررسی دقیق

سیر حوادث و چگونگی وضعیت جهانی می توان مدعی گردید که برای مدت زمان طولانی، بویژه در امتداد زمانی پایان سده ۲۰ و آغاز سده ۲۱، سطح درگیری های مسلحانه و انجام خشونت ها در سراسر جهان و همچنان شمارکُل سالانه درگیری های مسلحانه فعال نه تنها افزایش نیافته، بلکه بگونه ای کاهش پذیرفته است. اما بتدریج میکانیزم هایی عرض وجود نمودند که در نوع خود نه تنها نظارت بر تسلیحات، بلکه با اقدامات مختلف اعتماد سازی، بویژه در زمینه نظامی، سبب ساز جلوگیری از خطرات درگیری های مسلحانه مستقیم میان قدرت های بزرگ شده و هزینه های حفظ تعادل نظامی در جهان را نیز کاهش می بخشد. سیستم یادشده، قادر گردید تا با تغییرات گسترده و عمیقی، بویژه در ارتباط با روند استعمارزدایی و ذایش و ظهوردها کشور مستقل در جهان و همچنین با چگونگی استقرار بازیگر ان غیردولتی متعددی در سیاست و اقتصاد جهانی سازگار گردد.

تذکر این واقعیت را نباید بهیچوجه فراموش نمود که نظام پس از جنگ، با همه کاستی ها و کمبودی هایش، اما برای کشورهای جداگانه و حتا برای کُل قاره ها بمفهوم وسیع کلمه، فرصت های فراوانی را بمنظور توسعه و انکشاف اجتماعی - اقتصادی فراهم نمود. در چارچوب نظام یادشده، با وجود بحران های دوره یی و تغییرات ساختاری در مجموع اقتصاد جهانی، اما بشریت بمفهوم عام کلمه، با افزایش رفاه اجتماعی - سیاسی نایل گردیده که در مجموع تا ریخ بمفهوم وسیع کلمه بی سابقه پنداشته می شود. اما با وجود اینهمه، تصادفی نیست که در دهه های پسین، بسیا ری از کارشناسان، سیاستمداران و مقام های دولتی با نگرانی فزاینده ای یاددهانی بعمل آوردند که نظام مدرن بین الملل بگونه ناامیدکننده ای منسوخ گردیده و اصلن قادر به پاسخگویی مؤثر بخطرناک متعددی ناشی از تغییرات سریع در شرف تکوین در جهان نمی باشد. در واقعیت امر، سیستم و سازو کاری که حدود ۷۵ سال قبل ایجاد گردید، به مشکل قادر خواهد بود تا سطح کنونی توسعه اقتصادی را در شرایط بهم پیوستگی و وابستگی متقابل کشورها و شهروندان منعکس نماید. به یقین که مشکلات و معضلات موجود، بگونه ای دامنگیر همه می باشد، ولی انجام تلاش هایی بمنظور دستیابی براه حل های هرچند ناقص و نامکمل می تواند مؤثر و مفید واقع گردند.

اما تذکر این واقعیت نباید فراموش گردد که در واقعیت امر، نظام بین المللی کنونی اصلن قادر بمقابله با مشکل فزا ینده نابرابری اجتماعی - اقتصادی چه بین دولت ها و چه در متن دولت ها نمی باشد. بر بنیاد رقم های داده شده، از سال ۲۰۲۰ ترسایی بدینسو، دوسوم از ثروت ایجادشده در جهان، بیک درصد از ثروتمند ترین افراد و اشخاص تعلق گرفته است. در مجموع ثروت و دارایی های میلیاردها بگونه اوسط مبلغ ۲،۷ میلیارد دلار در روز افزایش بعمل می آید و این در حالیکه دستمزد ۱،۷ میلیارد نفر نهایت ناچیز بوده و صدها میلیون تن از انسان ها در سراسر جهان، در فقر بسر می برند. گزارش می گردد که حتا در امتداد سال ۲۰۲۲ شرکت ها و دسته بندی های پیشرو انرژی و مواد غذایی جهان، سود خود را دوبرابر کردند، در حالی که مشکلات اقتصادی در بیشتر نقاط جهان بد و بدتر شده و بتعداد ۸۰۰ میلیون تن از باشندده های جهان بگونه مزمن به سوءتغذیه دچار گردیدند.

بدون اندکترین شک و شبهه ایی بایست خاطرنشان گردد که پیدایش حقوق عمومی بین الدول در امتداد زمانی پس از جنگ، نیاز به بازنگری دارد. چنانچه گفته آمد، در امتداد زمانی هشت دهه پسین، نه تنها بتعداد کشورهای مستقل افزایش قابل ملاحظه ای بعمل آمد، بلکه بسیاری از شرکت کننده های جدید غیردولتی در مجموع سیاست جهانی نیز عرض وجود نمودند. روابط بین الملل، بسیاری از پارامترهای جدید مرتبط با پیشرفت فناوری و سطح فزاینده پیوستگی شهروندان کشورهای مختلف جهان را بدست آورده و اما درست پس از ختم جنگ جهانی دوم، سازندگان نظم نوین جهان پس از جنگ، علیرغم آینده نگری های ستراتیژیک خویش، قادر به پیشبینی تغییرات یادشده بگونه کامل نگردیدند. مفاهیم اساسی و عمده حقوقی بین المللی مانند "حق حاکمیت"، "حق شهروندان یک کشور در تعیین سرنو شت شان"، "اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها دیگر"، "رعایت حقوق و آزادی های جهانی بشر" و غیره، بگونه حداقل هم اگر شده، نیاز به شفاف سازی و بازاندیشی جدی دارند.

بخاطر باید داشت که حوزه های جدیدی از تعامل بین المللی می باشند که از جمله می توان توسعه شبکه جهانی وب، انکشاف و تسخیر فضا، به بازار آمدن روزافزون هوش مصنوعی، تولید محصولات اصلاح شده ژنتیکی و بسا موارد دیگر را برشمرد. چنین ادعای می گردد که مقررات قانونی موجود بنفع شهروندان تمامی کشورها می باشد. تلاش ها و اقدامات نخستین بمنظور حرکت بجلو بازگویی این واقعیت می باشد که نمی توان خود را به برخی اصطلاحات زیبا و هدفمند هنجارهای حقوق بین الملل محدود نمود. در واقع بمنظور توسعه حقوق بین الملل بیک رویکرد جامع و سیستماتیک بمثابة یک کُل، نیاز داریم.

حفظ و نگهداشت نظام باستانی بین الملل که برای دنیای کاملن متفاوتی ایجاد شده بود، به بهدردادن بی معنای منابع

عظیم مادی بمنظور دستیابی به مقاصد نظامی و حربی منجر گردیده، بحران های اقتصادی - سیاسی بیشتری را بوجود آورده و بی ثباتی های منطقوی و جهانی را سبب گردید. علاوه برین، برخی از کارشناسان باین نتیجه رسیده اند که در صورت عدم اتخاذ تدابیر و اقدامات فوری، سیستم باستانی کنونی ممکنست موجودیت بشر بمثابه گونه بیولوژیکی وحتا بیشتر از آن، اصل حیات در سیاره مارا بمفهوم وسیع کلمه مورد تهدید قرار دهد.

این تهدید، بویژه در مواردی حاد می گردد که برخی از بازیگران سیاست جهانی و اقتصاد بین المللی، در حالی که آرمان های خودخواهانه و تاکتیکی رهبران برخی از کشورها بر منافع راهبردی بلند مدت و ستراتیژیکی کل بشریت سایه افکنده وبگونه عمدی تلاش هایی بمنظور تغییر قوانین قدیمی و سازگار نمودن آنها با واقعیت های جدید حیات بین المللی از قوه بفعل مبدل می گردد که در وضعیت اینچنینی، ضرورت تکوین تغییرات شگرف ژئوپولیتیک خارجی بوضاحت بمشاهده می رسد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که سیاست مهاردوگانه ایالات متحده در مورد روسیه و چین و همچنین درباره همه اشخاص و افرادی که تسلیم فرمایشات ودیکته های ایالات متحده نمی گردند، بگونه فزاینده ای تندتر و قاطع ترمی گردد.

همچنان، گلیم همیاری امنیت و همکاری بین المللی در شرف برچیده شدن می باشد. واقعیت های موجود حیات بشری بازگوی این امر مسلم می باشند که سیستم قدیمی روبرو با روابط و مناسبات بین المللی باید بگونه فوری بازسازی گردیده و اثرگذاری حکمرانی جهانی باید بگونه اساسی بهبود یابد، در غیر آن، خطر فرو ریختن زود هنگام یا دیر هنگام نظام موجود و عرض اندام نمودن بی ثباتی دوامدار، آغاز هرج و مرج و بازی های بدون قاعده همچنان موجود می باشد.

در وضعیت و سناریوی اینچنینی، شهروندان سایر کشورها بمثابه قربانیان بیدفاعی مبدل خواهند گردید که نه یک جنگ هستوی جهانی، بلکه پیامدهای غیر قابل پیشبینی از قبیل تغییرات اقلیمی، کمبود منابع طبیعی، تغییرات جمعیتی و همه گیری های مرگباری را بدنبال خواهد داشت.

قضاوت ها و ابراز نظرهای مشابهی، بویژه در مورد نیاز به بازسازی بنیادی نظم قدیم جهانی، بگونه مداومی مطرح می گردد، اما تا هنوز هم هیچگونه گام آگاهانه و جدی درین راستا برداشته نشده است. البته که نظام بین الدول به نوعی در حال توسعه، اصلاح و تکمیل عناصر و ابعاد جدید می باشد، اما با وجود اینهمه، یک هسته سیستم پس از جنگ همچنان باقی می ماند که بگونه ایی منعکس کننده واقعیت های سیاسی و منافع قدرت های بزرگ می باشد.

یکشنبه ۲۴ ماه حمل سال ۱۴۰۴ خورشیدی برابر با ۱۳ ماه اپریل سال ۲۰۲۵ ترسایی